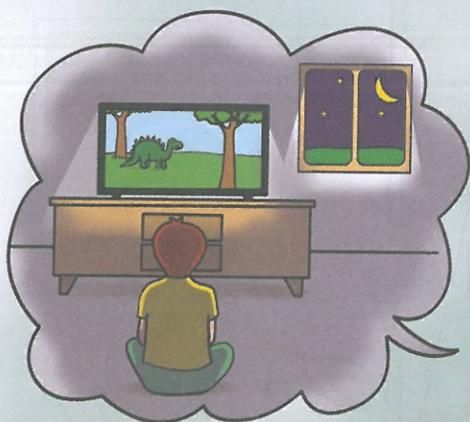




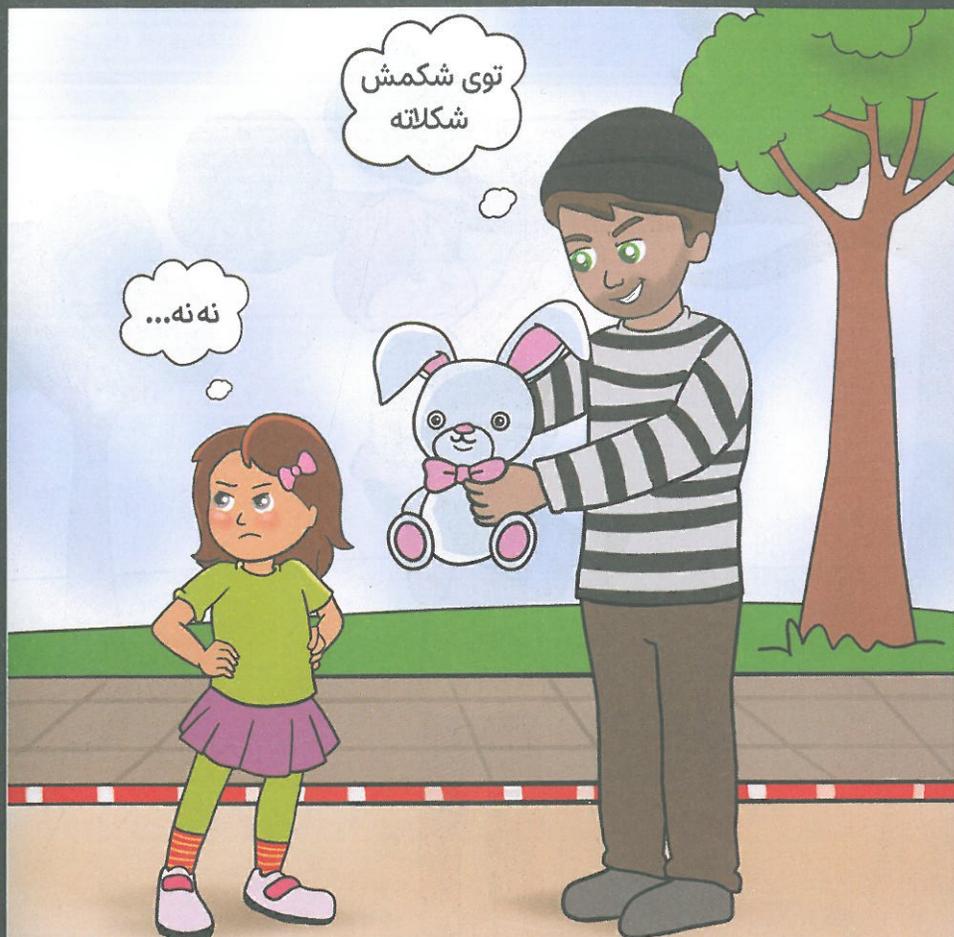
پدر بزرگ و مادر بزرگ **مهربان** هستند. آن‌ها **احساس**
خوش حالی دارند. پدر بزرگ و مادر بزرگ پرنده‌ها را **دوست**
دارند و **به فکر** آن‌ها هستند. پدر بزرگ و مادر بزرگ **عاشق**
همه‌ی حیوانات هستند. آن‌ها به گنجشک‌ها دانه
می‌دهند چون می‌دانند آن‌ها هم **گرسنه** می‌شوند.

پدر بزرگ و مادر بزرگ چه **احساسی** دارند؟

چرا آن‌ها **مهربان** و **خوش حال** به نظر می‌آیند؟



علی توی کلاس است. او احساس خواب آلودگی دارد. او **دیشب** تا **دیر وقت** مشغول تماشای تلویزیون بود و **الان** سر کلاس **خواب آلود** و **کسل** است. علی باید هر شب ساعت نه بخوابد تا توی کلاس **سرحال** و **بانشاط** باشد و بتواند **به خوبی** درس بخواند و **خوب** یاد بگیرد. علی توی کلاس چه **احساسی** دارد و چرا؟ چرا شب ها باید **به موقع** بخوابیم؟



ارغوان توی پارک است. وقتی **غریبه ای** به او نزدیک می شود و می خواهد با او حرف بزند، ارغوان به او **توجه** نمی کند. اگر **غریبه ای** به او اسباب بازی یا خوراکی **تعارف** کند هرگز آن را **قبول** نکرده و به او **اعتماد** نمی کند. او بدون **اجازه ی** پدر و مادرش با **غریبه ها** حرف نمی زند و با آن ها جایی نمی رود. ارغوان فقط با افراد **آشنا احساس آرامش و امنیت** دارد.

ارغوان چه **احساسی** دارد و چرا؟



ندا و نوید خواهر و برادرند. آن‌ها **مسئولیت پذیر** هستند و در کارهای خانه و نظافت منزل به مادرشان **خیلی کمک** می‌کنند. آن‌ها می‌دانند باید کارهای خانه را با هم انجام دهند و همه‌ی **وظایف بر عهده‌ی** یک نفر نباشد. ندا خانه را مرتب می‌کند و وسایل را سر جایش قرار می‌دهد و نوید میز را تمیز می‌کند. ندا و نوید **احساس خوش حالی** دارند چون می‌دانند با **کمک** کردن به مادرشان او را نیز **خوش حال و راضی** می‌کنند.

ندا و نوید چه **احساسی** دارند و چرا؟